

گستره عناصر نماد و اسطوره در اشعار

سمیح القاسم و حسن حسینی

کبری روشنفکر^{۱*}، مرتضی زارع برمی^۲، حسینعلی قبادی^۳

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۸۹/۹/۷

دریافت: ۸۹/۵/۴

چکیده

اشغال فلسطین و حمله عراق به ایران، به عنوان دو رخداد بزرگ قرن بیستم، زندگی مردم دو سرزمین را تحت الشعاع خود قرار دادند. در این میان ادبیات - به ویژه شعر - به عنوان یکی از حوزه‌های اندیشه فلسطینی و ایرانی، شاهد تحولی بنیادین بود. شاعران دو سرزمین به موازات حمله دشمن، همدوش رزمندگان در برابر تهاجم به پا خاستند. از جمله این شاعران، سمیح القاسم و حسن حسینی بودند که با آفرینش اشعاری گونه‌گون میراثی ارزشمند در عرصه شعر پایداری به جای گذاشتند. یکی از شاخص‌های این نوع ادبی استفاده چشمگیر شاعر از مضامین نمادین و اسطوره‌ای است.

این پژوهش بر آن است تا میزان به‌کارگیری مفاهیم نمادین و اسطوره‌ای را در شعر پایداری سمیح القاسم و حسن حسینی بررسی کند و همسانی‌ها، تفاوت‌ها، تحولات و دگرگونی‌های معنایی این مضامین را در قالب نمودارها و جدول‌ها به صورت مستند ارائه دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سمیح القاسم و حسینی از نمادها و اسطوره‌های طبیعی، انسانی، حیوانی و مکانی استفاده کرده‌اند، اما مضامین نمادین و اسطوره‌ای اشعار سمیح در مقایسه با اشعار حسینی ابتکار، تنوع و گسترش بیشتری دارد.

واژگان کلیدی: شعر پایداری، نماد و اسطوره، سمیح القاسم، حسن حسینی.

Email: kroshan@modares.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

آدرس مکاتبه: تهران، تقاطع بزرگراه جلال آل احمد و شهید چمران (گیشا)، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه زبان و ادبیات عربی، صندوق پستی: ۱۳۹-۱۴۱۱۵.



۱. مقدمه

ادبیات پایداری^۱ که از مهم‌ترین سنگرهای فرهنگی ملت‌های انقلابی در مقابل تهاجم سیاسی و فرهنگی است، در هیچ سرزمینی به اندازه فلسطین به رشد کمی و کیفی نرسیده است. سابقه دیرین ادبیات پایداری، به‌ویژه شعر در فلسطین که واکنشی در برابر اشغال و ستم مستمر غاصبان این سرزمین مقدس است، ارزش‌های ادبی و فکری و تجارب هنری ویژه‌ای را در آثار شاعران به جای نهاده است.

در نیمه دوم دهه ۶۰ قرن بیستم، یعنی سال ۱۹۶۷ پس از شکل‌گیری مقاومت مسلحانه فلسطینی‌ها و جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل^(۱) و به دنبال ظلم و ستم روزافزون و اعمال غیرانسانی اسرائیل در حق مردم فلسطین، شعر پایداری^۲ که معمولاً آغاز آن به دهه پنجاه قرن بیستم برمی‌گردد، به عنوان نیرویی پویا در بین جریان‌های شعری، پا به عرصه گذاشت. این شعر مخاطبش را به استقامت و پیوستگی صفوف، حفظ میراث کهن سرزمین، زبان و آداب و رسوم فراخواند و به گسترش آگاهی عمومی، افشای توطئه‌ها، جرایم و جنایات دشمن، بسیج نیروهای آزادیخواه علیه اشغال و تحکیم روابط میان ساکنین فلسطین و آوارگان پرداخت (کنفانی، ۱۹۶۸: ۵). به گونه‌ای که نیروهای فلسطینی به نقش بی‌بدیل این گونه ادبی تأکید کرده و آن را شایسته عنوان «شعر پایداری» دانستند (عطوات، ۱۹۹۸: ۲۳۸-۲۳۹).

در ایران نیز بعد از حمله نظامی رژیم بعث عراق، موضوع و مقوله جنگ با ابعاد و گستردگی فراوانش چشم‌انداز جدیدی در شعر و ادب باز کرد و تصویرهای تازه‌ای را در شعر پدید آورد که از احساسات و عواطف دینی و وطن‌پرستی و رویارویی عواطف شاعر با عوامل پیرامون و تجربه مستقیم شاعران از مسائل و وقایع و جریان‌های ایام جنگ مایه می‌گرفت.

شاعرانی را می‌توان دید که پرورده انقلاب بودند و شعر آن‌ها از احساسات و عواطف دینی و وطن‌پرستی آنان مایه می‌گرفت که از این گروه می‌توان بهمن صالحی، یوسفعلی میرشکاک، قیصر امین‌پور، نصرالله مردانی، سلمان هراتی و حسن حسینی را نام برد (حقوقی، ۱۳۷۷: ۴۵۰).

ترسیم چهره رنج‌کشیده و مظلوم مردم، دعوت به مبارزه، بیان جنایت‌ها و بیدادگری‌ها، توصیف و ستایش جان‌باختگان و شهیدان، ستایش آزادی و آزادگی، ستایش سرزمین، طرح

1. resistance literature
2. poetry resistance

بی‌هویتی جامعه و تبعیدیان و بهره‌گیری از نماد^۱، اسطوره^۲ و شخصیت‌های تاریخی و دینی از وجوه بارز و متمایز در شعر پایداری فلسطین و ایران است. اما آنچه سمیع‌القاسم و حسن حسینی را در استفاده از نماد و اسطوره ناگزیر کرده است، نه تنها حاکمیت فضای اختناق، تهدید، ارباب و اشغال در فلسطین، بلکه هویت‌سازی، ابهام‌آفرینی، عمق‌بخشی و جستن راهی برای غنای هنری و ادبی آثار از مسیر نمادپردازی و نمادآفرینی یا آشنایی‌زدایی از نمادهای پیشین در شعر دو سرزمین بوده است. سمیع و حسینی با خلق شخصیت‌های نمادین و اسطوره‌ای قصد دارند احساس قدرت و پایداری در مقابل سلطه بیگانگان را تقویت نمایند و استقرار و ثبات خود را به رخ دشمنان بکشند.

هدف ما از این پژوهش بررسی گستره عناصر نماد و اسطوره در اشعار سمیع‌القاسم و حسن حسینی است و می‌کوشیم به سؤال‌های ذیل پاسخ دهیم:

- گستره کئی عناصر نماد و اسطوره در شعر شاعران موردنظر چه میزان است؟
 - عناصر سبکی (نماد و اسطوره) در شعر شاعران موردبحث چه همسانی‌ها و تفاوت‌هایی دارند؟
 - تنوع و ابتکار سمیع‌القاسم و حسن حسینی در پردازش مفاهیم موردنظر تا چه اندازه است؟
- داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، چهار جلد از *الأعمال الكاملة* سمیع‌القاسم و دفاتر شعری *همصدا با خلق اسماعیل و گنجشک و جبرئیل* از حسن حسینی است. گفتنی است که جلد پنجم و ششم از دیوان سمیع به آثار نثری وی اختصاص دارد.
- روش خاص پژوهش تحلیلی - استقرایی است. پس از کشف و طبقه‌بندی نمادها و اسطوره‌ها، دامنه کاربرد و دلالت معنایی آن‌ها در شعر شاعران موردبحث قرار می‌گیرد و در قالب جدول‌ها و نمودارها نمایش داده می‌شود. با توجه به حجم زیاد نمادها و اسطوره‌های دو شاعر از ذکر شاهد مثال خودداری کردیم.

۱-۱. پیشینه پژوهش

در حوزه شعر پایداری فلسطین و ایران، با تکیه بر اشعار سمیع‌القاسم و حسن حسینی، پژوهش‌هایی به صورت مقاله و پایان‌نامه انجام شده است، اما تحقیقی دیده نشد که به صورت اختصاصی به

1. symbol

2. myth



بررسی سبکی (نماد و اسطوره)، با رویکرد^۱ تطبیقی در آثار دو شاعر پرداخته باشد. برای آشنایی، تعدادی از پژوهش‌هایی که جداگانه به بررسی آثار شاعران بالا پرداخته‌اند، معرفی می‌کنیم:

مضامین اجتماعی و انقلابی در اشعار سمیع‌القاسم (حسینی، ۱۳۷۹)، **فلسطین در اشعار سمیع‌القاسم** (نورپردی داشلی برون، ۱۳۸۱)، **ادبیات مقاومت فلسطین و بازتاب آن در شعر سمیع‌القاسم** (ابویسانی، ۱۳۸۲)، **بررسی تطبیقی ادبیات مقاومت ایران و فلسطین با تأکید بر سه شاعر ایرانی و سه شاعر فلسطینی امین‌پور، قزوه، عبدالملکیان و درویش، قاسم، بسیسو** (محمدی روزبهانی، ۱۳۸۶) که نگارنده تنها به درونمایه شعر پایداری در دو سرزمین پرداخته است و با توجه به تعداد شخصیت‌های حوزه پژوهش، تسلط چندانی بر مضامین موجود نداشته‌اند، **آدب (شعر) المقاومة فی فلسطین و ایران، موازنه و درسه و تحلیل و نقد** (زارع زردینی، ۱۳۸۷) که به تاریخ ادبیات پایداری فلسطین، ویژگی‌های هنری شعر درویش، ادبیات پایداری انقلاب اسلامی ایران و تعامل شاعران دو سرزمین پرداخته شده است و **صورت و مضمون در اشعار امین‌پور، حسینی و هراتی** (محمدی، ۱۳۸۸).

۲. چارچوب نظری پژوهش

۲-۱. نماد

نماد به ضم نون و سکون دال به معنی «اظهار» و «وانمودن» غرض است (پادشاه، ۱۳۶۳: ذیل ماده نماد و قبادی، ۱۳۸۶: ۳۸-۴۰). عبارت از چیزی است که نماینده چیز دیگر باشد، این نماینده‌بودن نه به علت شباهت دقیق میان دو چیز، بلکه از طریق اشاره مبهم یا از طریق رابطه‌ای اتفاقی و قراردادی است (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۹). این در حالی‌که در سایر تصاویر مثل کنایه، تمثیل، خاصه، علامت، مثل و حکایت این نماینده‌بودن به سبب بودن شباهت دقیق و با وجود قرینه‌هایی در کلام صورت می‌گیرد.

اصطلاح نماد به عنوان یک اسم عام، مفهوم بسیار وسیعی دارد، چنان‌که می‌توان از آن برای توصیف هر شیوه بیانی استفاده کرد که به جای اشاره مستقیم به موضوعی آن را غیرمستقیم و به واسطه موضوعی دیگر بیان می‌کند. در فرهنگ واژگان اصطلاحات ادبی، واژه نماد همراه با رمز و مظهر به عنوان معادل‌های سمبل ذکر شده است (حسینی، ۱۳۶۹: ۳۹).

1. approach

۲-۲. اسطوره و بیان نمادین

فرهنگ‌نویسان عرب «اسطوره را واژه‌ای عربی دانسته‌اند از ریشه سطر و معنای آن را افسانه‌ها و سخنان بی‌بنیاد و شگفت‌آور آورده‌اند» (کزازی، ۱۳۸۵: ۱-۲). «این واژه از اصل یونانی، به معنی خبر و سخن راست، جستجوی راستی، آگاهی و داستان گرفته شده است» (آموزگار، ۱۳۷۴: ۳).

اسطوره به لحاظ مفهوم، پیام، ساختار و قالب، بیشترین پیوند را با نماد دارد. اسطوره در اصل یک پیام نمادین و نوعی دلالت رمزناک است.

نمادها رویدادهای اسطوره‌ای را از تکمخاطبی و شخصی‌شدن و زمانی و مکانی نمودن دور می‌کنند و با تأثیر بر ناخودآگاه مخاطب، باعث می‌شوند که اسطوره از حالت مصداقی به مفهومی، از جزئی به کلی و از زمانی و مکانی به فرازمانی و فرامکانی تبدیل شود؛ از این‌روی بقای اسطوره‌ها در زبان نمادین آن‌ها است (قبادی، ۱۳۸۶: ۱۱۶). نماد و اسطوره هر دو ریشه در ناخودآگاهی دارند. کاسیرر^۱ بر این باور است که «در آغاز هیچ‌یک از نمادها به گونه‌ای مستقل و متمایز از دیگر نمادها پدیدار نمی‌شوند، بلکه هریک از آن‌ها باید از زهدان مشترک اسطوره بیرون آید.» (کاسیرر، ۱۳۶۷: ۹۷) اسطوره بیان نمی‌شود مگر به زبانی نمادین. برای آشنایی با زبان اساطیر باید زبان نمادها را دانست.

آنچه درباره اسطوره صادق است، در مورد نماد نیز مصداق دارد. نماد مانند اسطوره به جوهر زندگانی روحانی تعلق دارد، مبین عمیق‌ترین ساحات واقعیت است و بنابه ضرورت به‌وجود آمده و کارکرد خاصی دارد که همانا آفتابی‌کردن سری‌ترین کیفیات وجود است (ستاری، ۱۳۸۱: ۱۵۱).

۲-۳. نماد در شعر پایداری فلسطین و ایران

معانی نمادین در حوزه ادبیات مقاومت که با موضوعیت فلسطین سروده شده است، اغلب سه منشأ دارند؛ نمادهایی که از فلسطین، سرزمین غصب‌شده عربی سخن می‌گویند، نمادهایی که شرح حال آوارگان از سرزمین مادری است و حکایت مظلومیت و غربت انسان‌هایی است که در برابر بی‌تفاوتی جامعه بین‌الملل از خانه و کاشانه خود آواره گشتند و نمادهایی که نماینده رژیم

1. Kasyrr



اشغالگر هستند و آن را به عنوان یک نیروی متجاوز و نژادپرست به تصویر می‌کشند.

شاعران مقاومت فلسطین - جزء تعدادی - اغلب در بروز توانایی‌ها و خلاقیت‌های شاعری خود در به تصویرکشیدن عمق مصائب ملت فلسطین با زبانی صریح و مستقیم و انتقال احساس این فاجعه به دیگران با مشکل مواجه بوده‌اند. لذا برای حل این مسئله شاعران زبانی نمادین به کار بردند که از یک سو به شعرشان صفت انسانی والایی بخشید و از سوی دیگر این امکان فراهم شد که فرهنگی غنی و نفیس از واژگان و تصاویر شفاف و منحصر به فرد در قالب زبانی رمزی وارد ادبیات مقاومت شود (القط، ۲۰۰۱: ۶۲).

ما نیز در شعر دفاع مقدس «پیوسته اصطلاحات نمادین را به کار می‌بریم تا مفاهیمی را نمودار سازیم که نمی‌توانیم تعریف کنیم یا کاملاً آن را بفهمیم» (گردآوری و تنظیم واحد روابط عمومی و بین‌الملل بنیاد شهید انقلاب اسلامی، شعر شهادت، ۱۳۶۷: ۱۵-۱۶) مفاهیمی از قبیل شهادت، شهید و روح که به نحوی جنبه اشراقی و تجریدی آن‌ها بر جنبه‌های مادی‌شان غلبه دارد، همه و همه از عوامل وجودی پیدایش کلام نمادین شعر دفاع مقدس^۱ است. ضرورت دیگری که در شعر جنگ^۲ موجب شد تا سراینده‌گان مفاهیم نمادین را در سروده‌هایشان بیشتر کنند، جنبه زیبایی‌شناسی کلام و ارزش هنری آن بوده است. زیرا شعر جنگ در سال‌های نخستین به ورطه شعار و کمرنگی خیال سقوط کرده بود و سنگینی معنا و محتوای عمیق آن در ظرف کم‌حجم و بی‌ژرفای کلام شاعران نمی‌گنجید. تدبیر تازه سراینده‌گان شعر دفاع مقدس ارتقای کلام به سمت افق‌های تخیل‌آمیز بود. یکی از راه‌های پیدایش، تثبیت و رواج خیال شاعرانه در این نوع ادبی، کاربرد کلام نمادین است (پورچافی، ۱۳۸۴: ۲۲).

۴-۲- اسطوره در شعر پایداری فلسطین و ایران

«شاید یکی از انگیزه‌هایی که باعث روی آوردن شاعران عرب به اسطوره شد، تحولات و حوادث سیاسی و اجتماعی، استعمار دول اروپایی و شکست در برابر اسرائیل و سیطره این رژیم بر فلسطین بود» (جبرا، ۱۹۹۵: ۴۵). عبدالمعطی الحجازی می‌گوید: «ادبیات پس از سال ۱۹۶۷، ادبیات

1. sacred defense

2. war poetry

عجز و انزوا بود. در این دوره چهره‌ها همه در پس‌نقاب‌های^۱ عاریه‌ای اسطوره‌ای قرار می‌گیرند. (فاضل، ۱۹۸۴: ۲۵۴) شاعر معاصر عرب نسبت به وضعیت حاکم بر کشورهای عربی ناخشنود است. وطنی که در چنگال بیگانگان اسیر است و نیاز به قهرمانانی دارد تا حس خیزش، زایش و پیروزی را در میان مردم بیدار کند. «بدین سان اسطوره‌ها به عنوان سرچشمه‌هایی ناب، ابزاری شدند در دست هنرمندان عرب که به شیوه‌های گوناگون با توجه به اهداف و استعدادهای خویش از آن‌ها بهره‌برداری نمایند.» (شکری، ۱۹۶۸: ۱۴۳).

رویکرد اسطوره‌ای در شعر دفاع مقدس در ادبیات معاصر ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. شاعران با استفاده از بن‌مایه‌های^۲ اسطوره‌ای و بیان نمادین به بازآفرینی اسطوره‌ها می‌پردازند و با طرح شخصیت‌های ملی و دینی و با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و ایرانی، روح دفاع از فرهنگ و هویت ایرانی را بیدار می‌کنند (لک، ۱۳۸۴، س ۶، ش ۲۲: ۱۱۱-۱۳۲)، زیرا هنگامی که یک سرزمین مورد هجوم بیگانگان قرار می‌گیرد، نیاز به قهرمان‌سازی و قهرمان‌پروری دارد، از این‌رو شاعران با بازآفرینی اسطوره‌های تاریخی، ملی و دینی به پایداری روحیه دفاعی ملت پرداختند و احساس قدرت، دوام و پایداری در مقابل سلطه بیگانگان را تقویت کردند و استقرار و ثبات خویش را به رخ دشمنان کشیدند. آنان در این راه از اسطوره‌ها به عنوان نماد استفاده می‌کنند و از آن برای کشف، شهود و بازآفرینی حقیقت یاری می‌جویند (همان، سال ۶، شماره ۶: ۶۴ و ۶۹).

۵-۲. نمادگرایی در شعر سمیع‌القاسم و حسن حسینی

فضای وحشت حاکم بر فلسطین اشغالی، فرار از فشارهای سیاسی و ترس از مجازات به خاطر بیان صریح افکار و احساسات، ترسیم حقایق تجاوز و اشغال، از مهم‌ترین انگیزه‌های سمیع‌القاسم برای استفاده از عناصر نماد و اسطوره در اشعارش است. ضرورت دیگری که موجب شد تا شاعر فلسطینی از مفاهیم نمادین در سروده‌هایش بیشتر استفاده کند، جنبه زیبایی‌شناسی کلام و ارزش هنری آن بوده است. چرا که شعر مقاومت در سال‌های نخستین به ورطه احساسی‌سرایی و کم‌رنگی خیال، سقوط کرده بود و سنگینی معنا و محتوای عمیق شعر مقاومت در ظرف کم‌حجم و بی‌ژرفای شعار نمی‌گنجید (روشنفکر و زارع برمی، ۱۳۸۸).

حسینی نیز وقتی در برابر حماسه هشت‌ساله قرار می‌گیرد، به نیکویی درمی‌یابد زبان صریح

1. mask

2. motif



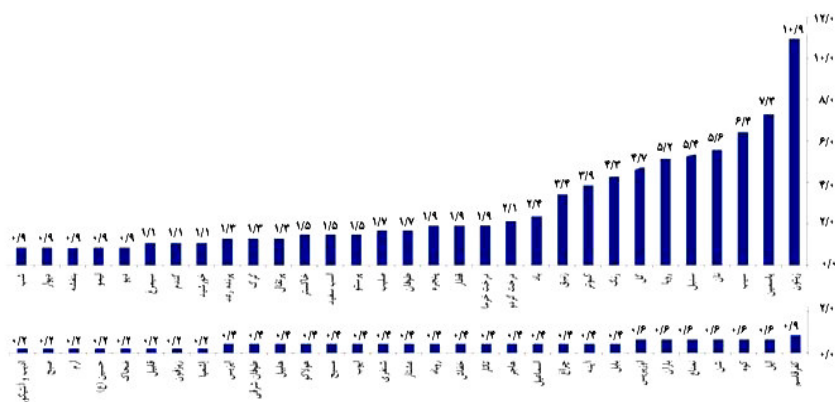
و بهره‌گیری از محسوسات، توانایی پرداخت و توصیف آن دلاوری‌ها و از جان گذشتگی‌ها را ندارد. در چنین شرایطی بهترین ابزار، بهره‌گیری از زبان نمادهای پویا است که علاوه بر داشتن ظرفیت معنایی بسیار گسترده، معانی مبهمی دارند که با توجه به قدرت ادراک خواننده به فعلیت می‌رسند. وی با واقع‌ای برخورد می‌کند که با عقل سازگار نیست، لذا به زبانی غیرمعمول که به مرور با شرایط محیطی واقع‌انوس برقرار می‌کند، احساسات خود را بیان می‌کند.

۳. تحلیل داده‌های پژوهش

برای شناخت بیش‌ازپیش گستره کمی مضامین نمادین در اشعار سمیع و حسینی، به طراحی نمودارهایی پرداختیم تا علاوه بر آشنایی خواننده با میزان به‌کارگیری نماد و اسطوره در آثار دو شاعر، بر انسجام پژوهش بیفزاییم.

۳-۱. گستره کمی مفاهیم نمادین و اسطوره‌ای در شعر سمیع القاسم

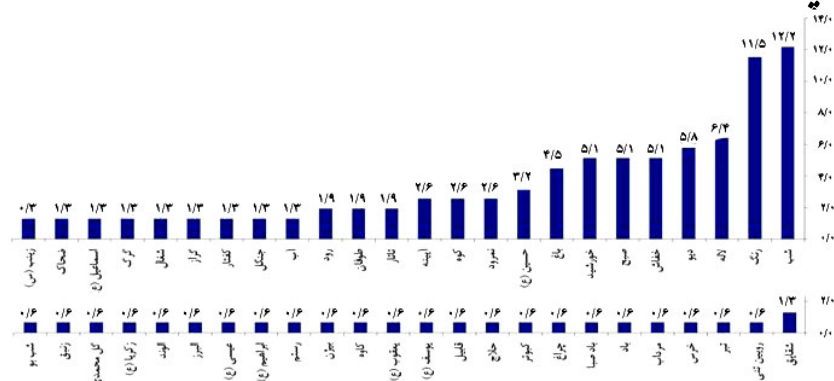
نمودار شماره ۱ براساس چهار جلد از مجموعه شش جلدی *الأعمال الكاملة* (۱۹۹۳)، شامل ۶۲ مورد نماد و اسطوره است. ۲۹۱ شعر از مجموع ۷۶۳ شعر شاعر، دارای نماد و اسطوره است. درصد به‌دست‌آمده در هریک از موارد بر مبنای تعداد اشعاری است که واژه نمادین یا اسطوره‌ای در آن‌ها به کار رفته است. به عنوان مثال واژه زیتون، در ۱۰/۹ درصد از مجموع اشعار شاعر به کار رفته است. بعضی اشعار از مجموع ۲۹۱ شعر چندین نماد متفاوت داشتند که در تعیین درصدها در نظر گرفته شده است. حداکثر استفاده از یک نماد ۱۰/۹ درصد و کمترین میزان ۰/۲ درصد بود. با توجه به توازن در فراوانی برخی نمادها در اشعار شاعر، تعدادی از ارقام با یکدیگر مساوی شده‌اند. نمودار شماره ۱ علاوه بر نمایش کمی نمادها و اسطوره‌ها در اشعار سمیع، بیانگر علاقه شاعر به هر یک از مضامین است. ذکر این نکته ضروری است که نمودار شماره ۱ را به دلیل زیادی تعداد نماد و اسطوره به دو قسمت تقسیم کردیم.



نمودار ۱ میزان فراوانی و درصد نمادها و اسطوره‌های مرتبط با حوزه مقاومت در اشعار سمیع‌القاسم

۲-۳. گستره مفاهیم نمادین و اسطوره‌ای در شعر حسن حسینی

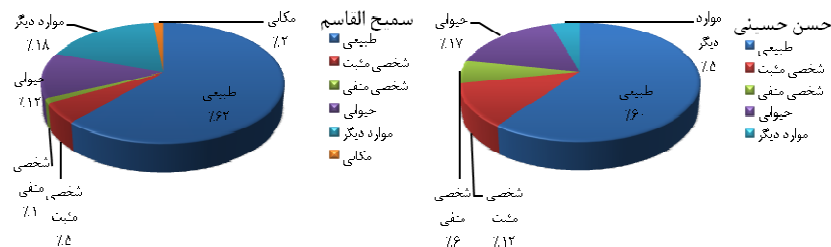
نمودار ۲ براساس دفاتر شعری هم‌صدا با حلق اسماعیل و گنجشک و جبرئیل، شامل ۴۸ مورد نماد و اسطوره است. ۸۹ شعر از مجموع ۲۲۵ شعر شاعر، نماد و اسطوره دارند. درصد به‌دست‌آمده در هریک از موارد بر مبنای تعداد اشعاری است که واژه نمادین یا اسطوره‌ای در آن‌ها به کار رفته است؛ به عنوان مثال واژه شب، در ۱۲/۲ درصد از مجموع اشعار حسینی به‌کار رفته است. بعضی اشعار از مجموع ۸۹ شعر چندین نماد متفاوت داشتند که در تعیین درصدها مورد توجه قرار گرفته است. حداکثر استفاده از یک نماد ۱۲/۲ درصد و کمترین میزان ۰/۶ درصد است. نمودار ۲ علاوه بر نمایش کمی مضامین، علاقه شاعر به یک نوع خاص از نماد را نیز نشان می‌دهد. زیادی تعداد نماد و اسطوره سبب تقسیم نمودار به دو بخش شد.



نمودار ۲ میزان فراوانی و درصد نمادها و اسطوره‌های مرتبط با موضوع مقاومت در اشعار حسینی

۳-۳. مقایسه حوزه‌های نماد و اسطوره در اشعار سمیع‌القاسم و حسن حسینی

با سرشماری اشعار دارای نماد و اسطوره، آن‌ها را به شش حوزه طبیعی، شخصی مثبت، شخصی منفی، حیوانی، مکانی و موارد دیگر تقسیم کردیم. درصد حاصل از سرشماری حوزه‌های مذکور نشانگر توازن در نمادگرایی عناصر طبیعت در اشعار دو شاعر است. حسینی از شخصیت‌های مثبت و منفی و نمادهای حیوانی بیش از سمیع استفاده کرده است. شاعر فلسطینی نیز در استفاده از نمادهای دیگر - نمادهایی که به لحاظ ماهیت، قابل‌درج در حوزه‌های دیگر نبودند - نسبت به حسینی برتری دارد؛ این مسئله می‌تواند فرضیه تنوع مضامین نمادین در اشعار سمیع‌القاسم نسبت به شاعر ایرانی را اثبات کند. حسینی در اشعار خود از نمادهای مکانی استفاده نکرده است، در حالی‌که شهرها و روستاهای فلسطین در اشعار سمیع مدلولاتی چون عظمت گذشته، شکست، مظلومیت و کشتار مردم فلسطین توسط اشغالگران دارد.



نمودار ۳

۳-۴. گستره کیفی نمادها و اسطوره‌ها در اشعار سمیع القاسم و حسن حسینی

در این بخش به توضیح معانی هریک از عناصر، با روش تقسیم مضامین به شش حوزه طبیعی، شخصی مثبت و منفی، حیوانی، مکانی و موارد دیگر پرداخته‌ایم. معانی جدیدی که ممکن است سمیع و حسینی از نمادها برداشت کرده باشند، در نمودارهای توضیحی که در ادامه می‌آید ذکر خواهد شد. حجم عناصر و محدودیت تعداد صفحات مقاله مانع از ذکر شاهد مثال شد و از مجموع اشعاری که جنبه‌های نمادین داشتند، تنها به ذکر تعدادی نام شعر قناعت کردیم.

۳-۴-۱. عناصر نمادین و اسطوره‌ای برگرفته از طبیعت در اشعار سمیع القاسم و حسن حسینی

بحث از نمادها و اساطیر بدون در نظر گرفتن دیگری ناممکن است. اسطوره هنگام بروز و ظهور در صورت‌های رمزی و سمبلیک متجلی می‌شود؛ لذا در حوزه عناصر طبیعی و حیوانی از مجموع حوزه‌های شش‌گانه، شاهد حضور تعدادی از نمادهای اسطوره‌ای چون آب، خورشید، درخت و سیمرغ هستیم که جزئی از میراث اسطوره‌ای بشریت هستند.

۱. سمیع با استفاده از نمادهایی که برگرفته از طبیعت فلسطین است، تلاش می‌کند مالکیت خود را بر آنچه از دست‌رفته نشان دهد. البته نمادهای طبیعی شاعر علاوه بر مفهوم سرزمین که بخش اصلی مدلولات را تشکیل می‌دهد، شامل مردم، جنبش مقاومت، شهیدان و مدلول‌های جزئی‌تر چون لذت‌های دنیایی، امدادهای غیبی و آشفتگی اوضاع سرزمین‌های اشغالی نیز می‌شود.



۲. نمادهای طبیعی موجود در اشعار حسینی تنوع کمتری در مقایسه با اشعار سماعی دارند و معمولاً دارای مدلولاتی چون شهید، دشمن، عزت ملی و سرزمین هستند. شاعر چندان دغدغه حفظ سرزمین و هویت ایرانی خود را ندارد، در نتیجه بیشتر به موضوع جنگ و عوامل درگیر در آن می‌پردازد.

جدول ۱ نمادها و اسطوره‌های طبیعی در اشعار سماعی القاسم

ردیف	عنوان	درصد	دلالت معنایی	نام شعر
۱	زیتون	۱۰/۹	درختی سرشار از نمادها، اعم از صلح، باروری، تزکیه، نیرو، پیروزی و پاداش. در سنت یهودی و مسیحی، زیتون بُن علامت صلح است. در اسلام، زیتون بن نماد انسان جهانی و شخص حضرت رسول است (شوالیه و آلن گبران، ۱۳۸۸، ج ۳: ۴۹۰-۴۹۱). شاعر فلسطینی زیتون را به عنوان نماد وطن، مقاومت و صلح به کار گرفته است.	أمشی، ج ۱: ۲۴۸ أوزیریس الجدید، ج ۱، ص ۱۹۷ الحصار، ج ۲: ۶۵۸
۲	گل	۴/۷	مفهوم آن برحسب رنگ‌هایش گرایش‌های روانی را آشکار می‌سازد: سرخ، نمادگرایی خونین، آبی، نمادگرایی رویاهای غیرواقعی. اما تفسیر این گرایش‌های روانی، بی‌نهایت متغیر است (همان، ج ۴: ۷۴۲-۷۴۳). استفاده استعاری از گل‌ها نیز بی‌نهایت است: گل‌ها برای بیان صفات بهار، پاییز، جوانی، سخن، تقوا و مواردی از این دست به کار می‌رود (Tervarent Guy de, 1959: 190-193) سماعی از نماد گل برای کودکان و شهیدان و سرزمین فلسطین استفاده می‌کند.	S.O.S، ج ۳: ۵۴۲ الوردتان، ج ۳، ۵۳ الحصار، ج ۲: ۶۵۴ براعم الفحم، ج ۳: ۳۰ أملاک الجنرال، ج ۳، ۱۳۱
۳	باسمین	۷/۳	نماد فداکاری، شهادت، مبارزان و سرزمین فلسطین است.	کفرقاسم إلی دهر الداهرین، ج ۲: ص ۱۹۶ تغریبه، ج ۲: ص ۶۹۶

ادامه جدول ۱

ردیف	عنوان	درصد	دلالت معنایی	نام شعر
۴	بنفشه	۰/۹	بنفشه وحشی نشانه خاص به انسان، یعنی اندیشه است (شوالیه و آلن گربران، ج ۲: ۱۲۰). سمیع القاسم گل بنفشه را در خدمت هویت سرزمین فلسطین قرار داده است.	الجواد الأبيض یسهل علی التل، ج ۲: ص ۵۳
۵	سنبله	۵/۴	سنبله در مصر علامت ایزیس ^(۲) است. ضمیری است که از اغتشاش خارج می‌شود، درست مانند تولد روح (همان، ج ۳: ۶۲۷). در اشعار سمیع نماد سرزمین، مردم، مبارزان و شهیدان فلسطینی است.	الخبر الأخير، ج ۲: ۳۰۲ ثورة مغنی الربابة: ج ۱: ۲۹۰
۶	ایریس	۳/۴	ایریس ^(۳) (زنبق)، گلی بهاری است. بعضی از مفسران آن را نماد و حامل سیاله روحی، از خاستگاهی الهی می‌دانند (همان، ج ۱: ۳۱۶). شاعر فلسطینی زنبق را نماد کشتگان، مجروحان و فلسطین معرفی می‌کند.	أحکى للعالم، ج ۱: ۲۵۷ زنباق لمزهرية فيروز، ج ۱: ۲۸۶-۲۸۷
۷	زیزفون	۰/۲	نوعی گل معطر، همواره آن را نماد دوستی دانسته‌اند. زیزفون علامت وفاداری مهرآمیز است (همان، ج ۳: ۴۹۲).	السجل الخامس، ج ۳: ۴۲۸
۸	پرتقال	۱/۳	پرتقال مانند همه میوه‌هایی که هسته‌های متعدد دارند، نماد باروری است (همان، ج ۲: ۱۸۴-۱۸۵). سمیع پرتقال را به عنوان یکی از نمادهای فرهنگی و هویت‌بخش فلسطین به‌کار می‌برد.	غزة، ج ۲: ص ۷۱ الصحراء، ج ۴: ۲۴۱
۹	نماد تمدن	۰/۹	نماد تمدن، فرهنگ و هویت سرزمینی فلسطین است.	أعلنها، ج ۱: ۱۱۷



ادامه جدول ۱

ردیف	عنوان	درصد	دلالت معنایی	نام شعر
۱۰	درخت	۶/۴	سبب از نظر نمادگرایی در چند مفهوم ظاهراً متمایز به کار می‌رود هرچند که این مفاهیم کمابیش با هم ارتباط دارند. طبق تأویل اریگنس، سبب باروری، طعم و عطر کلمه الله است. سبب ابزار معرفت و شناخت و گاه میوه درخت زندگی و شناخت نیک و بد است. سبب میوه‌ای است که جوان و تازه می‌کند، سبب نماد نوکردن و تازگی دائمی است. بنابر تأویل پل دیل، سبب نماد امیال زمینی، لذت‌های مادی یا ارضای این امیال است (همان، ج ۳: ۶۹۹-۷۰۲). سبب در اشعار سمیع نماد لذایذ مادی و دنیوی است.	الصحراء، ج ۴: ۲۲۵ انتباهات، ج ۳: ۵۵۸ شهداء الحب، ج ۲: ۳۹۱ تاریخ أغنية من عالم الجذور، ج ۱: ۶۳۶
۱۱	درخت	۱/۹	درخت مقدس آشوری - بابلی است. در کتاب مقدس یهودیان، نماد عدالت است و در مصر به عنوان ستون‌ها، یادآور درخت زندگی و تکیه‌گاه جهان است. برگ و شاخه‌های سبز نخل نماد فتح، عروج، بازآفریدگی و جاودانگی است. در آیین مسیحی نماد شهدای مسیحی است (همان، ج ۵: ۴۰۱-۴۰۲). سمیع نخل را نماد مقاومت و مبارزان فلسطینی قرار داده است.	فسيفساء على قبة الصخرة، ج ۳: ۲۱۷ طبعاً، ج ۲: ۲۵۱
۱۲	درخت	۲/۱	بادام نماد باززایی و جاودانگی طبیعت است (همان، ج ۲: ۱۴). سمیع درخت بادام را نماد سرزمین فلسطین قرار داده است.	وطن، ج ۱: ص ۱۵۵ أنت تدري، ج ۳: ۱۸۲
۱۳	نعتاع	۰/۶	در شعر سمیع نماد کودکان فلسطینی است.	قصيدة القبر الجماعي، ج ۲: ۷۳۵
۱۴	گندم	۱/۱	خوشه گندم نماد اوزیریس، مرگ و تولد دوباره است. نماد عطیه زندگی است. گندم غذای اولیه و اصلی، تنها هدیه‌ای از طرف خداوند می‌تواند باشد (همان، ج ۴: ۷۵۶-۷۵۸). خوشه گندم در اشعار سمیع القاسم نماد وطن، باروری و شکوفایی سرزمین است.	دقة الأجيال، ج ۱: ۱۲۸ الفلاحة، ج ۱: ۵۰۲

ادامه جدول ۱

ردیف	عنوان	درصد	دلالت معنایی	نام شعر
۱۵	خورشید	۱/۱	نماد نوشدن، زندگی دوباره و سرزمین (قدس) است.	الکرسى، ج ۳: ۵۷۷ سیره بنیون، ج ۴: ۱۸۹
۱۶	کوه	۰/۶	نماد دست‌نیاقتنی و فرازمینی بودن است. مفهومی مقدس دارد.	المثناة، ج ۳: ۴۱۳
۱۷	طوفان	۱/۷	در کتاب مقدس و طبق سنت، طوفان به مداخله الهی و به‌خصوص خشم خداوند تعبیر شده است و در عین حال به معنای فرود آمدن بلایی برای گرفتن انتقام است (همان، ج ۴: ۲۲۷-۲۲۸). طوفان در کنار معانی که پیش‌تر آمد در اشعار سمیع نمادی از غربت و مصائب مردم فلسطین است.	نخلة النص، ج ۲: ۵۱۴ فی العواصف، ج ۱: ۵۷۹ مصرع البجعة، ج ۱: ۶۰۵
۱۸	طوفان شرقی	۰/۴	یادآور جلال و قدرت الهی است که دشمنان ملت یهوه را درهم می‌شکند و صلح را برایشان به ارمغان می‌آورد. قطعه‌ای از «شاتو بریان»: زود برخیز ای طوفان طلب شده، تویی که باید رنه را به زندگی دیگر بیاوری (همان، ج ۴: ۲۲۸-۲۲۹). در اشعار سمیع نماد نیروهای غیبی است که برای یاری فلسطینیان از راه می‌رسند.	الخروج علی صهوة الموت، ج ۱: ص ۵۹۴
۱۹	باد	۲/۴	نمادگرایی باد به دلیل انقلاب درونی‌اش چندوجهی است، نماد بی‌ثباتی و ناپایداری است (همان، ج ۲: ۶). سمیع باد را نماد مقاومت، دشمن و همچنین بی‌ثباتی شرایط فلسطین قرار داده است.	نخلة النص، ج ۲: ۵۱۴ صقر قریش، ج ۱: ۱۲۰
۲۰	باران	۰/۶	در سراسر جهان، باران به عنوان نماد اثرات آسمانی روی زمین در نظر گرفته می‌شود. این نکته واقعیته بدیهی است که باران عامل بارورکننده زمین است و اینکه زمین از آن حاصلخیز می‌شود (همان، ج ۲: ۱۷). در شعر سمیع باران علاوه بر معنای بالا، نماد انقلاب و بیداری است.	ابن نایوبی الأخير، ج ۲: ۱۲۵ جناز فی ثلاثاء الرماد، ج ۲: ۲۸۹



ادامه جدول ۱

ردیف	عنوان	درصد	دلالت معنایی	نام شعر
۲۱	شب	۰/۹	نماد شب و دارای دو جنبه است؛ جنبه تاریک، جایی که هستی و فساد صورت می‌گیرد و جنبه آماده‌سازی برای روز، جایی که نور زندگی از آن بیرون می‌جوشد (همان، ج ۴: ۳۰). در اشعار سمیع شب نماد خفقان و وحشت است و چون صبح در پی شب فرا می‌رسد، شامل جنبه دوم معنای نمادین شب است.	نیام، ج ۳: ص ۵۴ التصيلة المفخخة، ج ۳: ۱۲۷-۱۲۸
۲۲	صبح	۰/۲	در اشعار سمیع نماد پیروزی و پایان اشغال فلسطین است.	ریبورتاج ... عن خزیران عابر، ج ۲: ۸۳
۲۳	شن	۰/۶	نماد کثرت (همان، ج ۴: ۹۷) در شعر سمیع شن نماد فلسطین است.	طبعاً، ج ۲: ۲۵۱
۲۴	خاکستر	۱/۵	نمادگرایی خاکستر قبل از هر چیز بر این واقعیت مبتنی است که نهایتاً ارزش بازمانده و تفاله را دارد. خاکستر پس از خاموشی آتش باقی می‌ماند. با دیدی آخرالزمانی، خاکستر نماد پوچی زندگی بشری به دلیل ناپایداری این زندگی است (همان، ج ۳: ۵۵). در اشعار سمیع نماد فنا، پریشانی و ذلت است.	توجوا الموت لیقتلوه فی أعالی الظهيرة، ج ۲: ۲۶- ۲۷ اعترافات المهرب، ج ۲: ۱۸۲-۱۸۳
۲۵	رنگ	۴/۳	خاصیت نمادین رنگ‌ها در فراگیری و جهان‌گستری آن است (همان، ج ۳: ۳۴۴). رنگ در شعر سمیع مدلولات بسیاری از جمله مقاومت، مردم، شهادت، رنج و سرزمین دارد.	البيان قبل الأخير، ج ۳: ص ۵۱۰- النشيد العاشر، ج ۲: ص ۶۰۶

جدول ۲ نمادها و اسطوره‌های طبیعی در اشعار حسن حسینی

ردیف	عنوان	درصد	دلالت معنایی	نام شعر
۱	گل	۱/۳	نماد عمر کوتاه و زیبایی ناپایدار است. قوی است به مثابه رنگش و شکننده چون جسمی که طاقت روح را ندارد. گل خونینی که با باد می‌شکند و باد آن را از جا می‌کند و می‌برد (همان، ۱۳۸۸، ج ۴: ۷۱). در شعر حسینی نماد شهید است.	کوثر، ۱۳۸۷: ۲۵
۲	کلمه‌های	۰/۶	نماد شهید	عاشقانه، ۱۳۸۷: ۶۱
۳	زنبور	۰/۶	-----	مثنوی شهیدان، ۱۳۸۷: ۳۹
۴	شبهه	۰/۶	-----	
۵	مرغ	۶/۴	نماد شهید، خون و مرگ سرخ است.	مثنوی عاشقانه، ۱۳۸۷: ص ۵۴
۶	باغ	۴/۵	باغ نماد بهشت زمینی و آسمانی است که با طبقات بهشت ارتباط دارد. در ایران باغ در کنار معنای دنیایی، معنایی ماوراءالطبیعه و عرفانی به خود می‌گیرد (همان، ج ۲: ۴۱-۴۴). در شعر حسینی نماد وطن است.	شعر کوثر، ۱۳۸۷: ص ۲۶
۷	جنگل	۱/۳	نماد حرم، قدرت، برکت، انبوهی، ترس و ناخودآگاه است (همان، ج ۲: ۴۵۴-۴۵۶). حسینی جنگل را نماد سرزمین گرفته است.	تنفس آتشفشان سرد، ۱۳۸۷: ۵۱
۸	طوفان	۱/۹	در شعر حسینی نماد دشمن است.	مردی از تبار شرف، ۱۳۸۷: ۵۵
	باد	۰/۶	-----	
۹	باد صبا	۰/۶	بادها علامت هستند، چون ملائک پیام‌ها را می‌رسانند. بادها جلوه موهبتی الهی هستند. وقتی باد در رویا دیده می‌شود، نوید می‌دهد که پدیده‌ای مهم در شرف وقوع و تغییری در حال ظهور است (همان، ج ۲: ۸-۹).	وداع، ۱۳۸۷: ۳۴



ادامه جدول ۲

ردیف	عنوان	درصد	دلالات معنایی	نام شعر
۱۰	آب	۱/۳	نماد پاکی، روشنایی، برکت و نیکی است. در کنار معانی ذکرشده در شعر حسینی نماد شهید نیز هست.	ننگ، ۱۳۸۷: ۸۱
۱۱	رود	۱/۹	نماد حاصلخیزی، جریان زندگی و مرگ است. جسم با هستی ناپایداری، چون آب جریان دارد (همان، ج ۳: ۳۸۴-۳۸۷). رود در اشعار حسینی نماد شهادت و پاکی است.	سرود چهارم، ۱۳۸۷: ۶۹
۱۲	شب	۱۲/۲	نماد دشمن، ظلمت و شر است.	مثنوی شهیدان، ۱۳۸۷: ۳۹-۴۰
۱۳	صبح	۵/۱	نماد روشنی و نیکی است.	وارث نور، ۱۳۸۷: ۳۱
۱۴	خورشید	۵/۱	نمادگرایی خورشید چندوجهی است. مظهر الوهیت است. افلاطون خورشید را مظهر نیکی می‌داند. قلب جهان، نماد زندگی و روشنی است (همان، ج ۳: ۱۱۷-۱۱۹). در شعر حسینی نماد انقلاب و روشنی است.	سوال، ۱۳۸۷: ۴۶ رواج صبح، ۱۳۸۶: ۸۴
۱۵	مرداب	۰/۶	برای اروپاییان نماد بی‌حرکتی، تنبلی، فریب و آرامش است (همان، ج ۲: ۴-۵). حسینی مرداب را با توجه به معانی بالا نماد دشمن گرفته است که در کمال آرامش و سکوت انتظار می‌کشد.	مثنوی شهیدان، ۱۳۸۷: ۳۸
۱۶	کوه	۰/۶	کوه مفاهیم استواری، تغییرناپذیری، امنیت و حتی خلوص را متبادر می‌کند. معمولاً نماد حضور و قرب به خداوند است. قاف که سیمرغ در آن پناه گرفته است. (همان، ج ۴: ۶۳۶-۶۴۶) کوه البرز در اشعار حسینی نماد استواری و دست‌نایافتنی بودن است.	پیغام گلگون، ۱۳۸۷: ۱۱۷
۱۷	الوند	۰/۶	-----	
۱۸	رنگ	۱۱/۵	در اشعار حسینی رنگ‌ها در معانی نمادین بسیاری به‌کار گرفته شده است؛ به عنوان مثال سبز نماد پاسداران و سرخ نماد شهیدان است.	معبر سرخ، ۱۳۸۷: ۱۴۹

۲-۳-۴. نمادها و اسطوره‌های شخصی مثبت در اشعار سمیع‌القاسم و حسن حسینی

شاعر فلسطینی از میراث اسطوره‌ای و شخصیت‌های ادبی، تاریخی و دینی ملل استفاده فراوان می‌کند. حسینی نیز با استفاده از بن‌مایه‌های اسطوره‌ای و بیان نمادین به بازآفرینی اسطوره‌های ملی، میهنی و شخصیت‌های تاریخی، دینی و عرفانی پرداخته و سعی دارد تا راز تداوم جامعه را در توجه به این اسطوره‌ها تعریف کند که در شعر دفاع مقدس به منبع مهم هویت‌سازی و تحکیم مبانی هویت ملی و همچنین عامل همگرایی و وحدت ملی تبدیل شده‌اند. کمیت بهره‌گیری از نمادهای تاریخی و دینی در اشعار سمیع و حسینی متوازن است.

جدول ۳ نمادها و اسطوره‌های شخصی مثبت در اشعار سمیع‌القاسم

ردیف	عنوان	درصد	دلالت معنایی	نام شعر
۱	عشتار	۰/۴	الهة افرودیته ^(۴) ، بانوی عشق، زیبایی و لذت جنسی (همان، ج ۱: ۲۱۰)	الأخذة الثانية، ج ۳: ۵۹۲ الأخذة الثالثة، ج ۳: ۵۹۳
۲	اوزیریس	۰/۶	اوزیریس ^(۵) ، نماد نیروهای فداکار (حاصل‌خیزی) است.	حواریة العار، ج ۲: ۱۷۸-۱۸۱
۳	ایزیس	۰/۴	الهة مصری، نماد باروری و سرچشمه زندگی است.	أوزیریس الجديد، ج ۱: ۱۹۷
۴	آنتیگون أودیپ	۰/۲	آنتیگون ^(۶) دختر أودیپ نمادی از سمیع است و أودیپ ^(۷) نابینا نماد فلسطین است.	أنتیجونا، ج ۱: ۳۹-۴۰
۵	هابیل	۰/۴	نماد بی‌گناهی و کشته‌شدن به ناحق است.	بروکسل، ج ۳: ۱۰۲-۱۰۳
۶	شنفری	۰/۴	شنفری ^(۸) نماد آلام و آرزوهای ملت فلسطین است و قبیله وی همچون مردم جهان در برابر فلسطینیان هستند.	انتقام شنفری، ج ۲: ۵۸۶-۵۸۷
۷	ایوب	۰/۴	در شعر سمیع نماد شکیبایی برابر سختی‌ها است.	حبیبتی و مدینتنا، ج ۱: ۵۱۶
۸	مسیح	۰/۴	مسیح برای مسیحیت شاه نمادها است (همان، ج ۵: ۲۴۵). نماد زندگی است. پیامبری که مردگان را به امر خدا زنده می‌کرد. در اشعار سمیع، مسیح نماد رهبری مبارزان فلسطینی است.	الطریق إلى جبل النار، ج ۲: ۳۱۷-۳۱۸



ادامه جدول ۳

ردیف	عنوان	درصد	دلالت معنایی	نام شعر
۹	هاجر	۰/۴	نماد سرزمین فلسطین است.	سیره بنیون، ج ۴: ۱۸۲
۱۰	اسماعیل	۰/۴	نمادی از شاعر آواره (سمیع القاسم) است.	القاسم، ۱۹۹۲، ج ۷: ۴۹۳
۱۱	ایلیا	۰/۶	نماد مبارزی که قبل از اشغال سرزمین و مایملکش انسانی صلح طلب بوده است (جبر شعث، ۲۰۰۲: ۷۳). نماد مبارزی که می خواهد قدس را پس بگیرد.	أخذة الأميرة ببوس، ج ۳: ۵۹۰
۱۲	إشعيا	۰/۲	پیامبر یهود؛ نماد مبارزی است که برای ارزش های انسانی و سعادت انسان تلاش می کند (همان، ۲۰۰۲: ۷۴-۷۵).	مزمور أحفاد اشعيا، ج ۱: ۲۷۸
۱۳	حسین (ع)	۰/۲	همچنان که مسیح برای مسیحیان شاه نمادهاست امام حسین (ع) در شیعه چنین جایگاهی دارد. نماد شهادت، قیام و مبارزه علیه ظالم و طاغی است.	شهداء الحب، (القاسم، ۱۹۸۷: ۳۹۳)

جدول ۴ نمادها و اسطوره های شخصی مثبت در اشعار حسن حسینی

ردیف	عنوان	درصد	دلالت معنایی	نام شعر
۱	کاوه	۰/۶	قیام کامل است. نماد ایستادگی برابر هرگونه ظلم و ستم است.	کبریت در قلمرو خورشید، ۱۳۸۷: ۴۸
۲	رستم	۰/۶	انسان آرمانی و کامل است.	فریاد، ۱۳۸۷: ۹۶
۳	بیژن	۰/۶	جسم اسیر چاه نفس است.	
۴	ابراهیم	۰/۶	فرمانبرداری محض از خداوند است.	مثنوی شهیدان، ۱۳۸۷: ۴۴
۵	اسماعیل	۱/۳	رزمندهای که آماده قربانی شدن است. نماد شهادتی که به ندای حق لبیک می گوید.	لبیک، ۱۳۸۷: ۱۴۱
۶	یعقوب	۰/۶	غم و انتظار است.	عریان، ۱۳۸۷: ۸۹
۷	یوسف	۰/۶	نماد پاکی و معصومیت است.	
۸	زکریا	۰/۶	نماد بی گناهی است.	تبری، ۱۳۸۶: ۳۲

ادامه جدول ۴

ردیف	عنوان	درصد	دلالت معنایی	نام شعر
۹	عیسی	۰/۶	نماد زندگی و روح حیات است.	نفس عیسی، ۱۳۸۷: ۱۱۸
۱۰	حسین(ع)	۳/۲	نماد ایستادگی، تسلیم ناپذیری و مرگ سرخ است.	سر مگو، ۱۳۸۷: ۱۱۱
۱۱	زینب	۱/۳	نماد صبر، استواری و شجاعت است.	روایت پانزدهم، ۱۳۸۶: ۶۷
۱۲	حلاج	۰/۶	نماد شهادت در راه آرمان‌ها است.	مثنوی شهیدان، ۱۳۸۷: ۴۰

۳-۴-۳. نمادها و اسطوره‌های شخصی منفی در اشعار سمیع‌القاسم و حسن حسینی
سمیع و حسینی از شخصیت‌های منفی تاریخ برای به تصویر کشیدن جنایت‌های دشمن استفاده کرده‌اند.

جدول ۵ نمادها و اسطوره‌های شخصی منفی در اشعار سمیع‌القاسم

ردیف	عنوان	درصد	دلالت معنایی	نام شعر
۱	قایل	۰/۲	نماد دشمن خونریز است.	بروکسل، ج ۳: ۱۰۲-۱۰۳
۲	تاریخی	۰/۴	فرمانده خونخوار مغول که در اشعار سمیع نماد دشمن صهیونیستی است.	ریبورتاج عن حزیران عابر، ج ۲: ۸۳
۳	تاتار	۰/۴	نماد وحشیگری و درندگی دشمن اشغالگر است.	الصحراء، ج ۴: ۲۵۵
۴	فراملی	۰/۲	شر و دشمن است	انتقام شنفری، ج ۲: ۵۹۵



جدول ۶ نمادها و اسطوره‌های شخصی منفی در اشعار سید حسن حسینی

ردیف	عنوان	درصد	دلالیت معنایی	نام شعر
۱	تاریخی	۰/۶	اولین قاتل و افشاکننده مرگ است. نماد انسانی که برای نجات خود تا حد کشتن پیش می‌رود (شوالیه و آلن گربران، ج ۴: ۴۱۷-۴۲۲)	عریان، ۱۳۸۷: ۸۹
۲	نمرود	۲/۶	نماد شیطان است.	تیرِی، ۱۳۸۶: ۳۱
۳	تاتار	۱/۹	نماد دشمن، وحشیگری، ویرانی و طغوت است.	مردانه، ۱۳۸۷: ۱۲۸
۴	ملی	۱/۳	نماد نفس عماره و دشمن است.	مشعل، ۱۳۸۷: ۱۳۳

۴-۳. نمادها و اسطوره‌های حیوانی در اشعار سمیع القاسم و حسن حسینی

اسامی حیوانات در اشعار سمیع دارای مدلولات متنوعی است که اغلب شامل صلح، عظمت، پیروزی، شکست، بیداری، خیزش، مهاجران فلسطینی و دشمن می‌شود. در مقابل حسینی از نام حیوانات اغلب برای خطاب به دشمن استفاده کرده است.

جدول ۷ نمادها و اسطوره‌های حیوانی در اشعار سمیع القاسم

ردیف	عنوان	درصد	دلالیت معنایی	نام شعر
۱	مثبت اسب سفید	۱/۵	مرکب قهرمانان و قدیسان در هنگام معراج است. سفیدی درخشان اسب نماد شاهوارگی است (همان، ج ۱: ۱۶۰-۱۶۱). در اشعار سمیع نماد مجد و عظمت فلسطین است.	الجواد الأبيض یسهل علی التل، ج ۲: ۵۶- الهی الهی لماذا قتلتنی؟، ج ۴: ۱۵۵

ادامه جدول ۷

ردیف	عنوان	درصد	دلالت معنایی	نام شعر
۲	کبوتر	۳/۹	کبوتر پرنده‌ای است بی‌نهایت اجتماعی که همواره بر ارزش‌های مثبت نمادگرایی‌اش تأکید شده است. در سراسر نمادگرایی یهودی - مسیحی کبوتر که در عهد جدید مظهر روح القدس است، نماد خلوص و سادگی، صلح، هماهنگی، امید و خوشبختی است (همان، ج ۴: ۵۲۶-۵۲۷) در اشعار سیمخ نماد صلح و آوارگان فلسطینی است.	آوارگان: علی قلعه الإمبراطور، ج ۱: ۱۱۶ صلح: مرثیه أغنية قديمة، ج ۱: ۷۲
۳	پرنده رعد	۱/۳	نماد آرزوی رهایی از تاریکی یأس، بازگشت عظمت و تغییر شرایط شکست است. بیداری نیروهای درونی و خروشدن بر ظلم است. بشارت به انقلاب عربی برای خلاصی از تجاوز و بازگرداندن سرزمین‌های اشغالی است. رهایی اعراب از سقوط و عقب‌ماندگی است. پرنده رعد معادل سیمرخ است. نماد اراده و امید اعراب با وجود شکست از اسرائیل است. نیرو و غلبه است. اوج گرفتن و جدانشدن از اعماق درد و غم است. مبارزه عرب برابر ظلم و دشمنی است. عظمت نژاد عرب و حمله به دشمنان است (جبر شعث، ۲۰۰۲: ۳۷۶-۳۷۷).	طائر الرعد، ج ۱: ۴۲۶ سيرة بنيون، ج ۴: ۱۸۶ الجواد الأبيض يسهل على التل، ج ۲: ۵۶ الموت قبل موعد المباراة، ج ۲: ۲۲۹
۴	سیمرخ	۱/۱	عنقاء یا سیمرخ، نماد عارفی است که به سوی الوهیت پرواز می‌کند. نماد آن بخشی از انسان که فراخوانده شده تا در باطن خود به حق واصل شود (همان، ج ۴: ۳۲۲-۳۲۳). در شعر مقاومت سیمرخ نماد خیزش است.	بعد القيامة، ج ۲: ۶۵۷ سيرة بنيون، ج ۴: ۱۸۶
۵	پرستو	۱/۵	پرستو پیک بهار است. بازگشت ابدی و اعلام رستاخیز است (همان، ج ۲: ۱۸۹-۱۹۰). برای ایرانیان، چهچه پرستو، جدایی دوستان و همسایگان از یکدیگر است. بدون شک این مفهوم از طبیعت مهاجر پرستو ناشی شده است (Fahd, 1959: 447). سیمخ پرستو را نماد آوارگان گرفته است.	سيرة بريطافور، ج ۴: ۱۷۴ الهي الهی لماذا قتلتنی؟، ج ۴: ۱۶۱



ادامه جدول ۷

ردیف	عنوان	درصد	دلالت معنایی	نام شعر
۶	گرگ	۱/۳	گرگ نر مترادف با وحشیگری و گرگ ماده مترادف با هرزه‌گری است. اما زبان نمادها گرگ را به گونه‌ای متفاوت تفسیر می‌کند. گاه خدایان، جادوگران به شکل گرگ در می‌آیند. در مفهوم عرفانی گرگ راهنمای ارواح است (شوالیه و آلن گرابران، ۱۳۸۸، ج ۴: ۷۱۴-۷۲۰). در شعر سمیع گرگ نماد دشمن صهیونیستی است.	الذئاب الحمر، ج ۱: ۵۶ فی ذکری المعصم، ج ۱: ۲۰۹
۷	خفاش	۰/۴	نماد بت‌پرستی، ترس و وحشت است. نابودگر زندگی و زایل‌کننده نور است (همان، ج ۳: ۱۰۷-۱۰۸). در اشعار سمیع‌القاسم نماد دشمن است.	الخفافیش، ج ۱: ۴۲۲-۴۲۳ رحلة السراذیب الوحشیة، ج ۴: ۷۰
۸	روپاه	۰/۴	در شعر سمیع نماد دشمن است.	سیره جلیات، ج ۴: ۱۹۴
۹	دیو	۰/۹	نمادی اهریمنی و خیالی از دشمن صهیونیستی است.	غزة، ج ۲: ۶۸-۶۹

جدول ۸ نمادها و اسطوره‌های حیوانی در اشعار حسن حسینی

ردیف	عنوان	درصد	دلالت معنایی	نام شعر
۱	مثبت	۰/۶	نماد صلح و آزادی است.	فرياد، ۱۳۸۷: ۹۶
۲	گرگ	۱/۳	نماد بی‌رحمی و درنده‌خویی دشمن است.	تاریخ گل، ۱۳۸۶: ۵۸
۳	خفاش	۱/۵	حیوانی که در تاریکی زندگی می‌کند و از نور گریزان است در اشعار حسینی نماد دشمن است.	خفاش، ۱۳۸۷: ۱۴۷
۴	منفی	۱/۳	با دیدن اجساد زوزه می‌کشد. لاشه می‌خورد، به همین دلیل آن را چون گرگ حیوانی بدبین می‌دانند (همان، ج ۴: ۶۶). حسینی شغال را به عنوان نماد منافقین برگزیده است.	زمزمه جاوید خون، ۱۳۸۷: ۲۸
۵	کفتار	۱/۳	حیوانی لاشخوار و شبانه است در اشعار حسینی نماد دشمن است.	ای همچو سربه‌داران، ۱۳۸۷: ۲۹

ادامه جدول ۸

ردیف	عنوان	درصد	دلالت معنایی	نام شعر
۶	گراز	۱/۳	در سنت مسیحی نماد شیطان است. نشانه زدالت، هرزگی افسار گسیخته، خشونت و ویرانی است (همان، ج ۴: ۳۹۲-۳۹۵). حسینی در اشعارش گراز را نماد پستی و ویرانگری دشمن قرار داده است.	زمزمه جاوید خون، ۱۳۸۷: ص ۲۸ مثنوی شهیدان: ۳۹
۷	منفی خرس	۰/۶	مانند تمام وحوش عظیم‌الجثه، خرس جزو نمادهای اهریمنی است. در سنت، خرس نماد سنگدلی، توحش و خشونت است (همان، ج ۳: ۸۰-۸۱). حسینی خرس را نماد دشمن گرفته است.	تنفس آتشفشان سرد، ۱۳۸۷: ۵۱
۸	دیو	۵/۹	قدرتی کور و درنده است (همان، ج ۳: ۲۹۶). شر و نفس اهریمنی. در اشعار حسینی نماد دشمن است.	ده فرمان جهاد، ۱۳۸۷: ۷۳

۳-۴-۵. نمادهای مکانی در اشعار سمیع‌القاسم

سمیع در تصویرآفرینی آلام و مصیبت‌های مردم فلسطین و بیان گذشته و وضعیت فعلی این سرزمین از نام شهرها به عنوان نمادهایی ابداعی استفاده می‌کند؛ در حالی‌که حسینی در این زمینه نمادآفرینی ندارد.

جدول ۹ نمادهای مکانی در اشعار سمیع‌القاسم

ردیف	عنوان	درصد	دلالت معنایی	نام شعر
۱	کفرقاسم ^(۹)	۰/۹	نماد مقاومت، مظلومیت و قتل‌عام مردم توسط صهیونیست‌ها است.	کفرقاسم‌اِلی دهر الداهرین، ج ۲: ۱۹۴-۱۹۹
۲	ارم	۰/۲	شهری باستانی در یمن، نماد عظمت گذشته است (عرفات الضاوی، ۱۳۸۴: ۱۰۵).	نشید الافتتاح، ج ۴: ۱۱
۳	بابل	۰/۴	نماد سرزمین از دست‌رفته است.	فی ذکر المعتمصم، ج ۱: ۲۰۹



۶-۴-۳. نمادهای دیگر در اشعار سمیع‌القاسم و حسن حسینی

تنوع نمادهای متفرقه که به لحاظ ماهیت قابلیت درج در حوزه‌های قبلی را نداشتند، در اشعار سمیع نسبت به اشعار حسینی بسیار چشمگیر است. این مسئله حاکی از ابتکار و استفاده مناسب شاعر فلسطینی از ظرفیت‌های زبانی و ادبی است. تعدادی از نمادهای مشترک دو شاعر در این حوزه، مدلول‌های مشابه دارند.

جدول ۱۰ نمادهای دیگر در اشعار سمیع‌القاسم

ردیف	عنوان	درصد	دلالت معنایی	نام شعر
۱	نان	۵/۹	به یقین نان نماد غذای اصلی است. محنت فقر، آمادگی برای تزکیه از معانی آن است (شوالیه و آلن گرابران، ۱۳۸۸، ج ۵: ۳۹۳). در اشعار سمیع نان مدلولات بسیاری از جمله صلح، آرامش و محرومیت دارد.	خبز، ج ۱: ص ۳۷۸ و مزمور للزجال التافه، ج ۱: ۲۱۹ و الموت قبل موعد المبارزة، ج ۲: ۲۲۹
۲	رویا	۵/۲	رویا نماد ماجراهای شخصی یک فرد است (همان، ج ۳: ۳۹۶). در شعر سمیع نمادی از شرایط فلسطین و انعکاسی از افکار شاعر است.	الكرسى، ج ۳: ۵۷۶-۵۷۷ الرجل الأخير، ج ۲: ۶۲۸
۳	قطار	۱/۹	نماد زندگی گروهی است، تصویر سرنوشتی است که ما را با خود می‌برد (همان، ج ۴: ۴۳۹).	شخص غیر مرغوب فیه، ج ۳: ۲۲۰
۴	پنجره	۱/۹	به عنوان منفذی به هوا و نور نماد پذیرندگی است (همان، ج ۲: ۲۵۶). پنجره در شعر مقاومت نماد ارتباط، آزادی و رهایی است.	قطر الندى، ج ۲: ۷۰۲-۷۰۳
۵	چراغ	۰/۴	حقیقت و راه درست است.	حتى الموت، ج ۱: ۱۶۰
۶	آینه	۰/۴	آینه به عنوان یک سطح بازتابنده، پشتوانه نمادگرایی پربراری در زمینه شناخت و آگاهی است. آینه نماد حقیقت، صمیمیت، درون قلب و آگاهی است (همان، ج ۱: ۳۲۳).	شخص غیر مرغوب فیه، ج ۳: ۲۳۵
۷	دیوار	۰/۹	نماد جدایی، کلافگی، نفس‌تنگی، دفاع و زندان است (همان، ج ۳: ۲۹۸). علاوه بر معانی بالا دیوار در شعر مقاومت نمادی از دشمن است.	خطاب من سوق البطالة، ج ۱: ۹۳

ادامه جدول ۱۰

ردیف	عنوان	درصد	دلالت معنایی	نام شعر
۸	صلیب	۰/۷	سنت مسیحی به طرز شگفت‌آوری نمادگرایی صلیب را غنا بخشیده است. نماد عروج‌کننده است. بهشت برگزیدگان است. جلال ابدی و افتخاری است که از طریق ایثار و قربانی‌کردن خود به دست آمده است. (همان، ج ۴: ۱۶۰-۱۶۶) صلیب در شعر مقاومت ارتباط کاملی با گذشته سرزمین فلسطین دارد. یهودیانی که حدود دو هزار سال قبل صلیبی برای قتل حضرت مسیح برپا کردند. صلیب در اشعار سمیع نمادی برای کشتار است.	مرموز أحفاد اشعیاء، ج ۱: ۲۷۷ توجوا الموت لیقتلوه فی أعالی الظهیرة، ج ۲: ۲۳ نشید الأنبیاء، ج ۴: ۲۴

جدول ۱۱ نمادهای دیگر در اشعار حسن حسینی

ردیف	عنوان	درصد	دلالت معنایی	نام شعر
۱	آینه	۲/۶	نماد شناخت حقیقت، صمیمیت و درونیات است.	کرامات نورانی، ۱۳۸۷: ۳۷
۲	چراغ	۰/۶	چراغ حامی نور است و نور جلوه چراغ است. چراغ نماد راه است (همان، ج ۲: ۴۹۲).	سرود پنجم، ۱۳۷۸: ۷۱
۳	تیر	۰/۶	خشم و نابودی است. علامت قدرت، شکافتن و قطع‌کردن است (همان، ج ۲: ۳۱۴-۳۱۵). حسینی از تیر به عنوان نماد دشمن استفاده کرده است.	کوثر، ۱۳۸۷: ۲۶

۴. نتیجه‌گیری

در سؤال اول پژوهش گستره کمی عناصر نماد و اسطوره در شعر شاعران موردنظر بررسی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که سمیع ۶۲ درصد و حسینی ۶۰ درصد از مضامین نمادین و اسطوره‌ای خود را از طبیعت گرفته‌اند. شخصیت‌های مثبت سمیع ۵ درصد و حسینی ۱۲



درصد، شخصیت‌های منفی سمیع ۱ درصد و حسینی ۶ درصد، نمادهای حیوانی سمیع ۱۲ درصد و حسینی ۱۷ درصد، مکانی سمیع ۲ درصد و حسینی ۰ درصد و نمادهای متفرقه سمیع ۱۸ درصد و حسینی ۵ درصد است. میانگین عددی به‌دست‌آمده از تمامی بخش‌ها نشان از برابری نسبی دو شاعر در به‌کارگیری عناصر نماد و اسطوره در اشعارشان است.

در سؤال دوم پژوهش به بررسی همسانی‌ها و تفاوت‌های عناصر سبکی (نماد و اسطوره) در اشعار مقاومت دو شاعر پرداخته شد و بررسی‌ها نشان داد که یکی از اصلی‌ترین ابزارهای سمیع و حسینی به منظور عمق‌بخشی و ابهام‌آفرینی در بیان شعری، استفاده از زبان نمادها و اسطوره‌ها است که بر غنای اشعارشان افزوده است.

با این وجود تفاوت‌ها و شباهت‌های ملموسی در به‌کارگیری انواع نمادها و اسطوره‌ها در اشعار دو شاعر جلب‌توجه می‌کند. نمادها و اسطوره‌های سمیع معمولاً در خدمت سرزمین و حفظ هویت عربی فلسطین در برابر موج یهودی‌سازی مناطق اشغالی است؛ در صورتی که حسینی با توجه به عقب‌نشینی ارتش عراق به داخل خاک خود و حفظ تمامیت سرزمینی ایران، دغدغه اشغال سرزمینش را ندارد. عدم‌استفاده وی از نمادهای مکانی می‌تواند دلیل دیگری بر این مدعا باشد.

مطالعات نشان می‌دهد که عناصر نماد و اسطوره در اشعار دو شاعر بیشتر متوجه مفاهیم مشابهی چون شهید، دشمن، مبارزه، ایثار، ایستادگی، خیزش، مردم و سرزمین است. دو شاعر با نمادینه‌کردن درونمایه‌های شعر پایداری، آن‌ها را از خطر روزمرگی و ابتذال نجات داده و به این مفاهیم خصلت فرازبانی و فراملیتی بخشیده‌اند.

در سؤال سوم تنوع و ابتکار دو شاعر در پردازش مفاهیم نمادین و اسطوره‌ای بررسی شد و تحلیل داده‌های پژوهش نشان داد که نمادها و اسطوره‌های به‌کاررفته در اشعار سمیع با توجه به استفاده وی از ظرفیت‌های موجود در ادبیات ملل، حجم آثار و اقتضای ادبیات کشورهای تحت اشغال، از تنوع و ابتکار بیشتری در مقایسه با اشعار حسینی از نظر کیفی برخوردار است.

نمادهای شعر پایداری نماینده درک و فهم شاعر از مفهوم مقاومت و جنگ است. سمیع علاوه بر معنای شناخته‌شده نمادها از معانی جدید آن‌ها مطابق با افکار خود نیز استفاده کرده است؛ در حالی که حسینی بیشتر نمادها را در همان معنای شناخته‌شده به کار می‌گیرد.

تعدادی از نمادهای به‌کار رفته در اشعار سمیع مانند پرنده رعد، سیب، نان و گل مدلولات متنوع و متعدد دارند که این امر نشان‌دهنده از ذوق و ابتکار شاعر است؛ در حالی که مدلولات ناشی از مضامین نمادین در اشعار حسینی تنوع چندانی ندارند و تک‌معنایی هستند.

۵. پی‌نوشت‌ها

۱. جنگ سوم اسرائیل با اعراب موسوم به جنگ شش روزه، از ۵ تا ۱۰ ژوئن ۱۹۶۷ م. طول کشید.
۲. Isis: در اساطیر مصر خدای باروری و طبیعت. خواهر و همسر اوزیریس؛ حامی مردگان و بازآمدگان از مرگ (شوالیه و آلن گربران، ج ۱: ۳۵۳).
۳. Iris: در اساطیر یونان ایزدبانوی رنگین کمان است (شوالیه و آلن گربران، ج ۱: ۳۵۳).
۴. Aphrodite: در اساطیر یونان ایزدبانوی عشق و زیبایی. همذات ونوس در اساطیر رومی و عشتاروتِ فنیقی است (شوالیه و آلن گربران، ج ۱: ۳۴۴).
۵. Osiris: خدای اصلی اساطیر مصر، پسر آسمان و زمین و اولین خدایی که بر روی زمین ظاهر شد و بر آدمیان حکومت کرد (شوالیه و آلن گربران، ج ۱: ۳۵۱).
۶. Antigone: دختر اودیپوس و یوکاستا است (شوالیه و آلن گربران، ج ۱: ۳۴۸).
۷. Edipe: در اساطیر یونان شاه تبای است. پدرش را کشت و جانشین او شد (شوالیه و آلن گربران، ج ۱: ۳۵۲).
۸. از شاعران عرب است که پیش از اسلام در عربستان زندگی می‌کرد.
۹. روستایی در فلسطین اشغالی که ساکنانش به دست اسرائیلی‌ها قتل‌عام شدند.

۶. منابع

- آموزگار، ژاله. (۱۳۷۴). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- پادشاه، محمد. (۱۳۶۳). *فرهنگ آندراج*. چ ۲. تهران: کتابفروشی خیام. ذیل ماده نماد.
- پورچافی، علی‌حسین. (۱۳۸۴). *جریان‌های شعری معاصر از کودتا (۱۳۳۲) تا انقلاب (۱۳۵۷)*. تهران: امیرکبیر.



- پورنامداریان، تقی. (۱۳۶۴). *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جبر شعث، احمد. (۲۰۰۲). *الأسطورة في الشعر الفلسطيني المعاصر*. ط ۱. فلسطین: مكتبة القادسية.
- جبرا، جبرا ابراهیم. (۱۹۹۵). *الأسطورة و تحولاتها في القصيدة العربية المعاصرة*. ط ۱. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات.
- حسینی، صالح. (۱۳۶۹). *واژگان اصطلاحات ادبی*. چ ۱. تهران: انتشارات نیلوفر.
- حسینی، سیدحسن. (۱۳۸۶). *گنجشک و جبرئیل*. چ ۶. تهران: نشر افق.
- ----- (۱۳۸۷). *همصدا با حلق اسماعیل*. چ ۴. تهران: انتشارات سورۀ مهر.
- حقوقی، محمد. (۱۳۷۷). *ادبیات امروزی ایران و ج ۲*. تهران: نشر قطره.
- روشنفکر، کبری و مرتضی زارع برمی. (۱۳۸۸). «بررسی ادبیات مقاومت فلسطین با رویکرد هرمنوتیکی. متن باز متن بسته». گیلان: همایش ملی ادب مقاومت.
- ستاری، جلال. (۱۳۸۱). *اسطوره و رمز در اندیشه میرچا الیاده*. تهران: نشر مرکز.
- شکری، غالی. (۱۹۶۸). *شعرنا الحديث إلى أين*. مصر: دارالمعارف.
- شوالیه، ژان و آلن گرابران. (۱۳۸۸). *فرهنگ نمادها*. ترجمۀ سودابه فضایی. چ ۲. تهران: انتشارات جیحون.
- عرفات الضاوی، احمد. (۱۳۸۴). *کارکرد سنت در شعر معاصر عرب*. ترجمۀ حسین سیدی. چ ۱. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- عطوات، محمد عبد الله. (۱۹۹۸). *الإتجاهات الوطنية في الشعر الفلسطيني المعاصر*. ط ۱. بیروت: دار الآفاق الجديدة.
- فاضل، جهاد. (۱۹۸۴). *قضايا الشعر الحديث*. بیروت: دار الشروق.
- القاسم، سمیح. (۱۹۸۷). *الاعمال الكاملة*. بیروت: دار العودة.
- ----- (۱۹۹۳). *ديوان الشاعر العربي المعاصر (الأعمال الكاملة)*. القاهرة: دار

السعد الصباح.

- القاسم، نبیه. (۱۹۹۲). «قراءة في مجموعتين شعريتين لا أستاذن أحداً و رحله سميح القاسم الأبداعية المتصلة»، *أعمال سميح القاسم الكاملة*. ط ۱. ج ۷. بيروت، القدس: دارالجيل، دارالهدى.
- قبادی، حسینعلی. (۱۳۸۶). *آیین آینه، سیر تحول نمادپردازی در فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی*. چ ۱. تهران. نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
- القط، عبدالقادر. (۲۰۰۱). *فی الأدب العربی الحديث*. القاهرة: دار غریب.
- کاسیرر، ارنست. (۱۳۶۷). *زبان و اسطوره*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر نقره.
- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۸۵). *رویا، حماسه، اسطوره*. چ ۳. تهران: مرکز.
- کتفانی، غسان. (۱۹۶۸). *أبعاد و مواقف من الأدب المقاومة الفلسطينية*. العدد الرابع. بيروت: مجلة الآداب.
- لک، منوچهر. (۱۳۸۴). «هویت ملی در شعر دفاع مقدس». *فصلنامه مطالعات ملی*. س ۶، ش ۲۲. تهران.
- (۱۳۸۴): «درآمدی بر شناخت اسطوره و تبیین کارکردهای هویت‌بخش آن در شعر جنگ». *فصلنامه مطالعات ملی*. س ۶، ش ۶. تهران.
- گردآوری و تنظیم واحد روابط عمومی و بین‌الملل بنیاد شهید انقلاب اسلامی. (۱۳۶۷). *شعر شهادت*. چ ۱. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل انتشارات و تبلیغات.
- Fahd, Tofic. (1959). *La naissance du monde selon l'Islam, in Sources orientales*. Paris.
- Tervarent, Guy de. (1959). *Attributs et symboles dans l'art profane, 1450-1600*, Geneve.